بررسی علل و پیامدهای شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حاشیه شهرها و معرفی ایده تشکیل ستاد منطقه‌ای

مهدی عفتی[۱]

سبحان افشاریان[۲]

چکیده

موضوع حاشیه‌نشینی و معضلات اقتصادی اجتماعی آن، از جمله موضوعات مهم و قابل توجه در توسعه شهرهاست. متاسفانه عدم مدیریت و هماهنگی درست و یکپارچه در سازمان‌ها و دستگاه‌های فعال نه تنها دردی از این مناطق دوا نکرده بلکه معضلات جدیدتری همانند پرورش تکدی‌گری، زیرپا گذاشتن عزت نفس و... به وجود آورده است. این بحث ذیل عنوان الگوهای توسعه شهری و روستایی در جغرافیای ایران دسته‌بندی میگردد. موضوع حاشیه‌نشینی یکی از ۵ موضوعاتی است که مقام معظم رهبری مدظله العالی در ذیل آسیب‌های اجتماعی در جلسات غیرعلنی به آن اشاره کرده‌اند. آمارها نشان می‌دهند که بیش از ۱۱میلیون نفر حاشیه‌نشین در شهرهای کشور وجود دارد و این زنگ خطر بزرگی برای جامعه است؛ چراکه مناطق حاشیه‌نشین می‌تواند بستر مناسبی برای انواع آسیب‌های دیگر باشد. بروز آسیب‌ها و نابسامانی‌های فراوان کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ...در این نواحی، سطح زندگی ساکنان را تا حد شایان توجهی کاهش داده است و به نظر میرسد بدون ارتقا و بهبود شرایط موجود، اسکان غیر رسمی‌به معضلی لاینحل در مقابل پیشرفت مناطق تبدیل خواهد شد.

به نظر می‌رسد ضعف هماهنگی دستگاه‌ها و گروه‌های موجود و از طرفی عدم وجود سیاست‌های منظم و مشخص در رفع حاشیه شهرها و جلوگیری از افزایش این سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، عمده ترین علل شکل‌گیری این معضل در لایه سیاست‌گذاری باشد. لذا کاملا مشخص است که موازی‌کاری‌های پی‌درپی و خدشه دار شدن عزت افراد حاشیه‌نشین و از طرفی گسترش بدون حساب این سکونت‌گاه‌ها جزو تبعات این مساله می‌باشد. پژوهشگر در این نوشتار قصد دارد پس از ذکر علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهری و مشخص کردن آثار مختلف آن، در جهت ارائه راهکار تشکیل ستاد منطقه‌ای با اختیارات فراقوه‌ای ویژگی‌های آن را بیان سازد. حل این مساله در گرو ملزم شدن

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد، معارف اسلامی و اقتصاد توسعه، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
Mahdi.effati@isu.ac.ir

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، معارف اسلامی و اقتصاد انرژی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
Sobhan.afsharian۱۳۷۵@gmail.com

تمامی گروه‌ها و سازمان‌های فعال به تبعیت از این ستاد و صدور مجوزهای قانونی مختلف توسط سه قوه برای فعالیت آن است.

واژگان کلیدی

حاشیه‌نشینی، سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مسأله هماهنگی، ستاد منطقه‌ای، حاشیه شهر

۱. مقدمه

موضوع حاشیه‌نشینی یکی از موضوعات مهمی است که امروزه گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه و حتی تا حدودی توسعه یافته شده است. کشور ما هم از این بحث مستثنی نبوده و در سال‌های اخیر شاهد رشد فزاینده این پدیده در حاشیه کلانشهرها – به خصوص شهرهای تهران، مشهد و چابهار– بوده است. مقابله با این سکونت‌گاه‌های غیررسمی نیازمند برنامه‌ریزی توسعه‌ای صحیح و شناخت کامل بافت و ویژگی‌های آن می‌باشد. لذا نیاز است تا پس از تعاریف ابتدایی ویژگی این محیط‌ها، علل شکل‌گیری آنها را بررسی کرده و از طرفی معضلات و تهدیدهای پیش آمده را هم شناسایی و پیش‌بینی کنیم تا بتوانیم به راهکار خاص متناسب با زیست و بوم هر منطقه دست یابیم. آنچه که مشخص است این است که مسلما نمی‌توان نسخه‌ای کلی و عمومی برای تمامی این سکونت‌گاه‌ها تجویز کرد بلکه با بررسی و آمایش شرایط ویژه هم هر زیست بوم، باید به سند توسعه جغرافیایی و پیشرفت هر کدام از این نواحی رسید لکن راهکارهایی عمومی نیز وجود دارد که مقدمه و پیش نیاز اجرای اسناد اختصاصی است.

بیش از یک دهه از تعریف ماموریت دستگاه‌های مختلف اجرایی و دولتی و حکومتی برای رفع حاشیه–نشینی می‌گذرد لکن توفیقات و دستاوردهای این عرصه چندان ظهور و بروز نداشته است. به‌نظر میرسد وجود موازی‌کاری‌های پی در پی و عدم انتخاب راهکار مناسب برای حاشیه هر شهر ما را از نقطه مطلوب دور کرده است. در این پژوهش ابتدا ضمن تعریف سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و ویژگی‌های آنان، علل مختلف شکل‌گیری آنان بررسی می‌گردد. سپس به بیان آثار و معضلات و همچنین مخاطرات این زیست بوم پرداخته و به طور خاص بحث معضلات ناشی از عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در این موضوع تبیین میگردد. و در انتها ایده و پیشنهادی که از مشاهدات عینی پژوهشگران و مصاحبه با افراد مطلع به وجود آمده است، مطرح می‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش

امروزه برآورد می‌شود که بیش از یک سوم جمعیت شهرنشین جهان به سکونت گاه مناسب، آب سالم و محیط متناسب دسترسی ندارند. این پدیده قبلا (طی قرون ۱۷-۱۹) در قسمت‌هایی از کشورهای توسعه یافته امروزی البته با مقیاس کوچکتر و با رشد به مراتب کمتر تجربه شده بود. مهمترین دلایل بحرانی نشدن حاشیه نشینی و مدیریت مطلوب موضوع در کشورهای توسعه یافته، استفاده مناسب از تکنولوژی ، ثروت به مراتب زیاد و بهبود نگرش‌های اجتماعی بود ولی این موضوع در کشورهای درحال توسعه به دلیل فقدان برنامه ریزی شهری و رشد شتاب آلود نابرابری و فقر در اثر سیاست‌های نادرست دولت‌ها موضوع را به یک چالش جامعه بشری تبدیل کرده است.

سابقه حاشیه نشینی در ایران مدرن به سالهای ۱۳۰۰ باز می‌گردد، پدیده حاشیه نشینی که از نیمه قرن ۱۹ توسعه یافته بود، در سال‌های اخیر به بیشترین حد خود رسیده است پایین بودن در آمد در روستاها و نبودن فرصت‌های شغلی در جریان حرکت روستاییان به شهرها و کمبود مسکن روزبه روز نمایان تر شده و تعداد جمعیت حاشیه نشینان افزایش یافته است. بنابراین، به دلیل گرانی غیر متعارف زمین شهری در کلان شهرها به خصوص تهران هیچ راهی جز ظهور قارچ گونه و شتابان حاشیه نشینی شهری باقی نمی‌ماند.

از سویی دیگر، جمعیت کشور ایران به عنوان شانزدهمین کشور پرجمعیت جهان طی سالهای ۱۳۵۵ تا۱۳۹۰ ، ۲/۲۳ برابر افزایش یافته است. رشد جمعیت شهری کشور طی همین مدت بیش از ۵ برابر بوده است. طی سال‌های گذشته به جز درشهرهای بزرگ کشور، تنها در استان تهران پدیده جدیدی بروز کرده که تقریباً غیر متعارف است و آن افزایش جمعیت حاشیه نشینی استان تهران است.

در خوش‌بینانه‌ترین برآوردها از کل جمعیت حاشیه نشین در جهان، حدود ۱۰ میلیون نفر آن در کشورما زندگی می‌کنند. این افراد تاکنون در ۷۰۰ سکونتگاه غیررسمی‌در کشور شناسایی شده اند. براساس سرشماری صورت گرفته توسط مراکز بهداشت دانشگاه/دانشکده‌های علوم پزشکی کشور، جمعیت ساکن در سکونت گاه‌های غیررسمی، کل جمعیت حاشیه شهرها و ساکنین شهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر در

بهمن ماه ۱۳۹۳ برابر با ۱۵ میلیون و ۲۱۲ هزار و ۲۲۶ نفر است که ٤٩٣١٩٥٦ نفر آن مربوط به جمعیت شهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر و ۱۰۲۸۰۲۷۰ نفر نیز ناظر بر جمعیت حاشیه شهر یا سکونتگاه غیررسمی‌است. (وزارت راه و شهرسازی)

پژوهشگران متعددی همانطور که نشان داده شده، به بررسی حاشیه نشینی پرداخته و به علل و ریشه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن توجه کرده اند. مروری نقادانه بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات داخلی علل حاشیه نشینی را بصورت توصیفی و با متغیرهایی معدود مورد بررسی قرار داده‌اند.

صابری فر، در سال ۱۳۸۸ به بررسی تحلیلی حاشیه نشینی در شهر بیرجند (مطالعه موردی منطقه کارگران) می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مهاجرت‌های روستا شهری، ضعف توان مالی ساکنان – ناحیه به همراه ناتوانی مسئوالن در ساماندهی این وضعیت، باعث پیدایش شکل گیری حاشیه مورد بررسی و بروز ناهنجاری‌های متعدد شده است؛ به طوری که بسیاری از این خانواده‌ها از فقر و محرومیت رنج می‌برند. اغلب آنها فاقد امکانات بهداشتی، تفریحی و ... هستند.

محمدی و همکاران، در سال ۱۳۸۵ ، به بررسی چالش‌های حاشیه نشینی در شهرستان کوهدشت، استان لرستان، می‌پردازد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که حاشیه نشینان از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند و بار تکفل زیادی را به دوش می‌کشند. اولویت بندی چالش‌های حاشیه نشینی نیز نشان می‌دهد که عدم برخورداری از سیستم فاضالب مناسب و مشکل مالی و درآمد کم از مهم ترین چالش‌های حاشیه نشینان به شمار می‌روند. در نهایت طبق نتایج تحلیل عاملی، چالش‌های حاشیه نشینان به ترتیب اهمیت در قالب پنج دسته چالش‌های اجتماعی فرهنگی، چالش‌های زیستی، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های آموزشی بهداشتی و چالش‌های رفاهی طبقه بندی شده اند که چالش‌های اجتماعی فرهنگی به عنوان مهم ترین چالش حاشیه نشینان قابل شناسایی است .

ربانی، در سال ۱۳۸٦ ،در تحقیقی به بررسی عوامل موثر بر شکل گیری مساله حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان داد که مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی و شهری اطراف به شهر اهواز، مهمترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه نشین می‌باشد که خود

تحت تاثیر دافعه‌های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی و جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شهر بوده است.

کاظمی‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان تحلیلی بر علل شکل گیری اسکان غیر رسمی‌در محله شادقلی خان شهر قم با استفاده از روش تکنیک رگرسیون و ضریب اثرگذاری، هر یک از عوامل موثر بر پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی‌این محله را مشخص و با استفاده از مدل تحلیل مسیر چگونگی اثرگذاری این عوامل را تجزیه و تحلیل کردند که نتایج نشان داد در شکل‌گیری این محله دو دسته عوامل قبل از مهاجرت شامل: مالکیت اولیه در مبدا، دلیل مهاجرت مهاجر بودن یا نبودن و شغل قبلی و عوامل بعد از مهاجرت شامل: شغل فعلی سند مالکیت دلایل سکونت پروانه ساخت میزان درآمد و سال مهاجرت دارای بیشترین اثر گذاری بوده‌اند.

پورآقایی (۱۳۸٦) در مقاله‌ای تحت عنوان علل شکل گیری اسکان غیر رسمی‌در شهر رشت و راهکارهای سازماندهی آن به بررسی عوامل موثر در پیدایش و گسترش اسکان غیر رسمی‌در شهر رشت می‌پردازد؛ با این هدف که ضمن تبیین شاخص‌های اسکان غیر رسمی‌در این شهر از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به مقایسه تطبیقی اسکان غیر رسمی‌شهر رشت با اسکان غیررسمی‌کلاسیک جهان و ایران پرداخته شده است. در پایان با ارائه راهکارها و پیشنهادهای جهانی، ملی، منطقه ای و محلی همچون کالبدی، اقتصادی و اجتماعی می‌کوشد زمینه مثبت را برای توزیع مجدد امکانات فرصت‌ها و منابع در فضاهای شهری فراهم سازد و سیمایی زیبا از دو تصویر ناهمگون ولی واحد شهری ارائه دهد.

مبارکی و اکبری (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی در شهر ارومیه با تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری و ضرایب همبستگی نرم‌افزار spss نتایج این پژوهش حاکی از آن بوده است که از دلایل بسیار مهم حاشیه نشینی در شهر ارومیه می‌توان به بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهر کوچک و روستاهای استان و استانهای همجوار اشاره کرد که ناشی از عوامل اقتصادی (جاذبه‌های اقتصادی شهر ارومیه و دافعه‌های اقتصادی شهرها و روستاهای اطراف و دافعه‌های اجتماعی -فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است و این امر موجب بروز انواع ناهنجاری‌های شهری (اشتغال افراد حاشیه نشین در مشاغل کاذب،

وجود ساخت و سازهای غیرمجاز، افزایش جرم و جنایت، اثرات نامطلوب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آلودگی محیط زیست شهری و غیره شده است.

ابراهیم‌زاده و همکاران در سال ۱۳۸۳ در مطالعه‌ای در کریم آباد زاهدان با عنوان حاشیه‌نشینی؛ ناهنجاری-های شهری و راهکارهای تعدیل آن، به بررسی ناهنجاری‌های شهری ناشی از حاشیه‌نشینی و با رویکرد توانمندسازی سکونتگاه‌های نابسامان پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد، ۵۸ درصد منطقه مورد مطالعه به دلیل پایین بودن سطح سواد و مهارت در بخش غیررسمی اقتصاد، جذب و به شغل‌های کاذب رو می‌آورند، ۷ / ۸۰ درصد واحدهای مسکونی فاقد پروانه ساختمان هستند. همچنین وجود مسیرهای رو باز فاضلاب و فضاهای غیربهداشتی در سطح شهر که منجر به شیوع انواع بیماری‌ها گردیده، از دیگر آثار فضایی کالبدی حاشیه‌نشینی در این ناحیه شهری است .

محمدی و همکاران در سال ۱۳۸۷، در مطالعه‌هایی به بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوهدشت پرداختند، نتایج مطالعه نشان داد عدم برخورداری از سیستم فاضلاب مناسب، مشکل مالی و درآمد کم از مهمترین چالش‌های حاشیه‌نشینی در منطقه مورد مطالعه به شمار میآید. همچنین دراین مطالعه به طور کلی چالش‌های حاشیه‌نشینی به پنج دسته تقسیم شد که به ترتیب اهمیت شامل چالش‌های اجتماعی فرهنگی، چالش‌های زیستی، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های آموزشی- بهداشتی و چالش‌های رفاهی است .

ایراندوست در سال ۱۳۸۹، در مطالعه‌ای به بررسی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی به صورت موردی در شهرکرمانشاه پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که پس از چند دهه تلاش نظام برنامه‌ریزی شهری، سکونتگاه‌های غیررسمی همچنان یکی از مسائل و مشکلات اصلی مدیریت شهری به شمار میروند.

ایراندوست در سال ۱۳۹۱، در مطالعه خود با هدف بررسی جنبه‌های مختلف امنیت شهری در ارتباط با سکونتگاه‌های غیررسمی عنوان می‌کند که امنیت و سکونتگاه‌های غیررسمی رابطه‌ای دو سویه دارند که با امنیت کل شهر و ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی ارتباط پیدا میکند. فقر، امنیت سکونت، بلایای طبیعی و انسانی، خشونت‌ها و شورش‌های شهری مسائل اصلی امنیتی سکونتگاه‌های غیررسمی هستند .

تاج آبادی و مشایخی در سال ۱۳۸۹ به بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم و امنیت شهری پرداخته‌اند و در پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که بدون توجه به علل مهاجرت روستاییان و سکنهٔ شهرهای کوچک به بزرگ مانند تهران، مبارزه با معلول و تلاش برای ساماندهی حاشیه‌نشینی نتایج ملموس چندانی نخواهد داشت.

فتحی و همکاران در سال ۱۳۹۱، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای وندالیستی جوانان با تأکید بر نقش حاشیه نشینی (مورد مطالعه: جوانان شهر تهران) به یافته‌هایی رسیدند که عبارتند از اینکه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان آنومی و میزان رفتارهای وندالیستی جوانان رابطهٔ معناداری وجود دارد و همچنین تفاوت معناداری در رفتارهای وندالیستی دو گروه جوانان حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین وجود دارد. نتایج به دست آمده نشان میدهد که رفتارهای وندالیستی جوانان در مناطق حاشیه‌نشین به نسبت مناطق غیر حاشیه‌نشین بیشتر است و این امر با توجه به عوامل دیگری نظیر آنومی، ارتباط با کج روها و پایگاه افراد تشدید میشود.

امیری و همکاران در سال ۱۳۹۲، در مقاله‌ای به بررسی و مطالعه آسیب‌های اجتماعی ناشی ازحاشیه‌نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری پرداخته‌اند. نتایج کلی ویافته‌های تحقیق آنها بیانگر آن است که مدیران منطقه ۱۹ ، خاستگاه آسیب‌های اجتماعی را مسائل خانوادگی و اقتصادی میدانند و بیکاری، اعتیاد و تکدی‌گری را به عنوان مهمترین آسیب‌ها معرفی می‌نمایند.

صدیقی در سال ۱۳۷۸، که به بررسی مشکلات شهرک‌ها و مجتمع‌های مسکونی جنوب تهران و تأثیر آن بر گرایش به رفتار ضداجتماعی پرداخته است، اذعان داشته که گرایش به رفتارهای ضد اجتماعی از مسایلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه‌ای با ثبات و دور از تنش‌ها و انحرافات اجتماعی را غیرممکن و هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر رو به رو می سازد. بنابراین مطالعه گرایش به رفتارهای ضداجتماعی و ریشه‌های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایش‌هایی می‌تواند داشته باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است البته بروز چنین گرایش‌هایی تنها ناشی از حاشیه‌نشینی و فقر نبوده بلکه علل دیگر نیز می‌تواند داشته باشد ولی معمولا انتظار می‌رود ساکنان

مناطق محروم و فقیر در معرض فشارهایی قرار گیرند که باعث می‌گردد آنها آمادگی بیشتری برای احراز چنین رفتارهایی داشته باشند.

۳. ادبیات پژوهش

در ادامه و پیش از ورود به مباحث اصلی برخی از مفاهیم مهم این موضوع تعریف می‌گردند:

۳-۱. سکونت‌گاه‌های غیر رسمی

سکونتگاه‌های غیر رسمی‌به مناطقی گفته می‌شود که مهاجران روستایی و محرومان جامعه شهری را در خود جای داده یا خارج از برنامه‌ریزی رسمی‌و قانونی توسعه شهری، عمدتاً بدون مجوز در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است. فقدان سند مالکیت رسمی‌و محرومیت از خدمات و زیرساخت‌های شهری از شاخص‌های این سکونتگاه‌هاست.

سازمان‌های بین‌المللی در برآوردهای خود اعلام کرده اند که بیش از یک میلیارد نفر از مردم یعنی در حدود ۳۲ درصد جوامع شهرنشی در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. حاشیه‌نشینی گسترده امروزی در جهان از دهه ۹۰ میلادی شروع به رشد کرده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۲ میلیارد نفر افزایش پیدا کند.

از سوی دیگر، حاشیه‌نشینی امروزه ریشه در قرن شانزدهم میلادی دارد. هجوم شتاب‌آلود فقرای جویای شغل مهاجر به لندن و ایجاد نیاز گسترده به سرپناه، ساخت‌وساز غیرقابل کنترل مساکن محقر و استفاده ملاکین وقت از این فرصت برای اجاره منازل تقسیم شده بین چندین خانوار منجر به تشکیل محلات پرجمعیت فقیرنشین در مرکز شهر شد.

با تداوم مهاجرت‌ها، فضاهای فیزیکی قبلی، مجدداً بین افراد تقسیم و منجر به شکل‌گیری محلات شلوغ و کثیف شد. در این وضعیت نابسامان، حضور متراکم مردم؛ فقر غیرقابل اجتناب و ناامیدی جمعیت هم باعث به‌هم‌ریختگی طبقات اجتماعی گردید.

برآوردهای بانک جهانی نشان می‌دهد که معمولا سطح فقر شهرنشین‌ها کمتر از سطح روستایی است ولی میزان رشد فقر در جوامع شهری خیلی بالاتر از روستانشینان می‌باشد.

بر اساس آمار ۲۰۰۳ The challenge of slums ، در حالی که ٤٧.٧ درصد از جمعیت جهان شهرنشین بوده است، ٣١.٦ درصد از این جمعیت شهرنشین، به شکل حاشیه‌نشینی زندگی می‌کرده‌اند. در آن زمان وضعیت حاشیه نشینی در کشورهای توسعه یافته و اروپایی، خود را به نوعی مهار شده نشان می‌داد چراکه تنها ٦ درصد از جمعیت شهرنشین این کشورها حاشیه نشین بودند. اما مناطق در حال توسعه و آسیا آمار نگران کننده ای از حاشیه نشینی را داشتند ؛ به گونه ای که به طور میانگین حدود ٤٠ درصد جمعیت شهرنشین آنها از مرکز رانده شده بودند که البته این وضعیت در قسمت جنوب- مرکزی آسیا که ٦٠ درصد جمعیت شهری اش حاشیه نشین بودند ، اسف بارتر از دیگر نقاط بود.

۲-۳. حاشیه‌نشینی[۳]

مفهوم حاشیه نشینی به موقعیتی از نابرابری اطلاق می‌شود که در آن طبقات مسلط اقتصادی- سیاسی به طور منظم و مداوم گروه‌ها و طبقات تحت نفوذ و حاکمیت خود را از برخورداری منابع، منافع و امتیازات عمده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌دارند. با نگاهی اجمالی به مناطق حاشیه شهرها و نیز مشاهده عکس‌های هوایی، متوجه این موضوع می‌گردیم که درهم آمیختگی محلات و عدم نظم و ترتیب در معابر و گذربندی‌ها و کوچه‌ها به شکل زننده ای خود نمایی می‌نماید (Oshrieh،٢٠١٤) موانع پیش پا گذارده شده برای جدایی گروه‌های حاکم و محکوم اقتصادی و سیاسی نابرابری‌ها را دائمی‌کرده و اقشار پایین را به لحاظ اقتصادی- سیاسی و اجتماعی حاشیه ای می‌کند. گاهی در فضاهای زیست انسان‌ها شیوه‌های مختلفی از زیست نظیر شیوه حیات شهری و روستایی حاکم است که هر یک علیرغم داشتن نقاط مشترک زیستی، تفاوت‌های ساختاری دارند، چنانکه لوئیزورث در سال ٦٩٨٣ از شهرنشینی به عنوان شیوه خاص زندگی یاد می‌کند که با شیوه زندگی روستایی تفاوت‌های بسیاری دارد. گاه از حاشیه نشینی نیز در بطن شیوه زندگی شهری به عنوان نوعی شیوه زندگی نام برده می‌شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد. حاشیه نشینان را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌دانند

[۳] slum

که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند.

مارشال کلینارد می‌گوید: حاشیه نشینی مسئله و عارضه ای شهری است، و منشا عمده بزهکاری و جرم می‌باشد، اشکال و انواع مختلفی دارد. هر چند حاشیه نشینی دارای انواع مختلف است. اما دارای یک الگوی مشخص جهانی می‌باشد. افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می‌کنند، از ساختار قدرت و سیاست عمومی‌جامعه جدایی یافته و به عنوان گروه "اجتماعی پست" تلقی می‌گردند. حاشیه نشینان به نوبه خود با تردید به جهان نگاه می‌کنند. جهان حاشیه نشینی به لحاظ اجتماعی، گرفته شده، زیرا تصور آن Slumer بعد منفی دارد امری است که از آن تبری می‌جویند. در حقیقت حاشیه نشینی از لغت است که کسانی که در کوچه‌ها و خیابان‌های نامعین می‌خوابند و چرت می‌زنند، از ساکنین حاشیه‌ها و کسانی که در حاشیه‌ها سکنی می‌گزینند، باشند. آنان به لحاظ اجتماعی دارای موقعیتی متزلزل بوده و در طبقه پایینی از اجتماع قرار دارند، فقیرند و در کوچه و پس کوچه‌ها و محلات کم درآمد زندگی می‌کنند. حاشیه نشینان تنها به دلیل اقتصاد نامطلوب حاشیه نشین شده اند. یعنی قیمت ارزان زمین و مسکن و نداشتن جایگاه مطلوب اقتصادی باعث اسکان آنها در حاشیه شهر گشته است و محیط و شرایط اجتماعی است که چنین شیوه زندگی را بوجود می‌آورد.

٤. علل شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین

توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی داشته است. یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی‌است. در این رابطه مولفه‌های بسیاری تاثیرگذارند و در اینجا به اهم آن‌ها اشاره می‌شود که در شکل دهی، تشکیل و گسترش این پدیده ی اجتماعی نقش عمده دارند.

۱-٤. اقتصادی

فقر تنها نداشتن درآمد کافی نیست، بلکه شیوه ای از زندگی است که از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد. برخلاف نظریه ی اقتصاد سیاسی که به دنبال عوامل ریشه ای فقر در ساختارهای بزرگ تر جامعه می‌گردد. (رضوی، ۱۳۸۲) این نظریه وضعیتی را نشان می‌دهد که در آن مردم در دام محیطی اجتماعی گرفتار آمده اند که ویژگی‌هایش بی تفاوتی، تسلیم شدن به سرنوشت، نبودن آرمان‌های والا، نگرانی و همزمان با آن استقبال از رفتار بزهکارانه و تایید آن است. (گیلبرت و گاگر، ۱۳۷۵)

به بیان دیگر، درآمد کم خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی‌و گرانی اجاره بها و همچنین تفاوت قیمت تمام شده مسکن غیررسمی‌با مسکن رسمی‌و به طور کلی اگر هزینه‌های تمام شده زندگی مردم به گونه‌ای باشد که دیگر نتوانند در شهر زندگی کنند برای ادامه زندگی مجبور می‌شوند به حاشیه شهر بروند.

۲-٤. دافعه‌ی مبدا

این عامل بسته به مشخصات اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی و سایر مولفه‌های دیگر سبب مهاجرت از نقاط کم جمعیت تر به نقاط با تراکم بالای جمعیت می‌گردد. در برخی روستاها، نداشتن زمین کافی جهت زراعت، خشکسالی و کمبود امکانات سبب بروز مهاجرت می‌گردد و در شهرهای کوچک نبود شغل، کمبود امکانات و مسکن عامل حرکت به سمت شهرهای بزرگ می‌شود.

۳-٤. محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار در دهه ی ۱۹۳۰ ، نویسندگان کتاب ((سرباز آمریکایی)) به کار بردند. آنها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می‌کنند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خویش باید داشته باشد معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است. (گر، ۱۳۷۷)

از نظر تدرابرت گر، محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فردی چیزی را مشاهده کند که خودش ندارد اما دیگری دارد و آن فرد مایل است که آن چیز را داشته باشد. (رفیع پور، ۱۳۷۷) از نظر گر،

هر چه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی در گروه‌هایی که انسان خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و یک نوع احساس بی عدالتی نسبی به وجود می‌آید. در ضمن هر چه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقاء اجتماعی کمتر باشد، نیز محرومیت نسبی افزایش پیدا می‌کند. (رفیع پور، ۱۳۷۷) مجموعه این عوامل تنها به تولید و نهادینه شدن فرهنگ فقر می‌انجامد، فرهنگ فقر وسیله ای برای فرد حاشیه نشین است تا با محیط و فضای خود سازگار گردد. این فرهنگ و روش زندگی، نشانه ی کوشش انسان‌های فقیر برای مقابله با نومیدی است. نومیدی از دانستن این واقعیت که کسب موفقیت در زمینه ی ارزش‌ها و هدف‌های جامعه بزرگ تر برای آن‌ها نه محال بلکه تقریباً ناممکن است.

٤-٤. سایر عوامل

در واقع آنچه در بالا گفته شد، عوامل اصلی در پیدایش پدیده حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیر رسمی‌می‌باشد. عوامل دیگری نیز در شکل‌گیری و گسترش این معضل مؤثرند که عبارتند از:

۱. بلایای طبیعی (سیل، خشکسالی و...)
۲. حوادث اجتماعی- سیاسی (درگیری‌های منطقه ای و راه افتادن مصیبت زدگان)
۳. نارسایی نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری(همچون عدم تأمین فضای اسکان کم درآمدها) (صرافی، ۱۳۸۱)
٤. رشد فزاینده جمعیت کشور در دهه‌های گذشته
٥. فقدان سیاست‌ها و راهبردهای هماهنگ توسعه اقتصادی، اجتماعی و آمایشی در سطح کلان و منطقه‌ای
٦. تشدید نابرابری در توزیع منابع قدرت، ثروت و درآمد
۷. فقدان ساز و کارهای اجتماعی -اقتصادی در جهت توانمند سازی و مشارکت
۸. عدم توسعه مناسب نظام آموزش فنی حرفه ای در مناطق شهری کوچک و روستاها
۹. فقدان برنامه‌های توسعه اجتماعی -فرهنگی و آماده سازی و توانمند سازی افراد حاشیه نشین

۱۰. فقدان سیاست اجتماعی برای جوامع و مناطق محروم

۵. آثار و معضلات مناطق حاشیه نشین

زندگی حاشیه‌ای از یک سو می‌تواند تهدیدهایی برای نظام شهری به شمار رود و از سوی دیگر با حاشیه راندگی، مسائل و مشکلات زیادی نیز برای ساکنان این مناطق به همراه دارد. این مسائل، مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی بزرگی برای شهر پدید می‌آورد که در زیر به بخشی از آن اشاره می‌کنیم.

۵-۱. فرهنگی

در شهرهای مختلف، دلایلی برای پذیرش مهاجر وجود دارد که عموماً بدلیل رفاه و آسایش بیشتر این مهاجرت اتفاق می‌افتد اما نتیجه ی عکس دارد. گاه این مهاجران از اقوام و فرهنگ‌های متفاوت است. برای مثال مناطق حاشیه نشین شهر همدان دارای بافت و ترکیب چند قومیتی می‌باشد و همین وضع موجب تنش‌ها و تعارض‌ها و حتی نزاع‌های پراکنده قومی‌در این مناطق شده است. براساس آمارهای موجود، ۵۷ درصد ترک، ۲۱ درصد فارس، ۲۰ درصد کرد و ۲ درصد لر بوده اند.

۵-۲. اقتصادی

شهرهای بزرگ دارای امکانات خدماتی-رفاهی مشخصی می‌باشند که با هجوم جمعیت به سمت آنها این تناسب بهم می‌ریزد و نه تنها دیگر پاسخگوی نیازها نیست بلکه مشکلاتی در باب، بهداشت، ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آید. هجوم جمعیت به کلان شهرها سبب افزایش تقاضا می‌شود و این امر گرانی مسکن را به همراه خواهد داشت. قشر مهاجر که عموماً از طبقه ی متوسط و پایین جامعه هستند از خرید و حتی اجاره باز می‌مانند و به سمت حاشیه ی شهرها رانده می‌شوند. برای مثال طبق آمارهای غیررسمی‌میزان حاشیه نشینی کلان شهر تهران حدود ۳۰ درصد است. با توجه به جمعیت ۱۰ میلیونی تهران به نظر می‌رسد که باید بیش از دو میلیون نفر حاشیه نشین در اطراف تهران

وجود داشته باشد. این جمعیت در حالی وجود دارد که شهرداری تهران نیز چندی پیش درباره رشد ٤.٧ درصدی جمعیت حاشیه تهران در کنار رشد ۱.۳ درصدی جمعیت شهر تهران هشدار داده بود.

با رشد روز افزون آمار مهاجرت، نیاز مسکن بیشتر احساس می‌شود. از طرفی در شهر بدلیل هجوم تقاضا، عده ای سودجو را بسمت آن کشانده که خانه‌هایی بی کیفیت بسازند و مسائل مشاعات و نزاعات درون ساختمانی را پدید بیاورند. در هرحالنسبت تراکم به جمعیت بالا رفته و آلودگی هوا، صوتی و بصری را همراه دارد. از سوی دیگر مهاجرانی که قدرت خرید ندارند در حاشیه بصورت غیرقانونی سکنی می‌گزینند و معضلات خاص خود نظیر، نزاع، قتل، سرقت و اعتیاد را پدید می‌آورند.

در بهترین حالت، این مهاجران به کارگری روی می‌آورند که شامل کارگر فصلی، رانندگی، رفتگری و دستفروشی می‌شود. ولی عده ای به دزدی، تکدی گری و فروش مواد مخدر روی می‌آورند که بر مشکلات شهر می‌افزاید. به طور کلی با توجه به ساختار شغلی مناطق حاشیه نشین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال غیرقانونی، کاذب، ناسالم، سیاه و زیرزمینی در میان ساکنان حاشیه نشین غلبه دارد، ساکنان این سکونتگاه‌ها، اغلب فاقد تحصیلات با توانمندی حرفه ای و مهارت شغلی لازم برای کسب فرصت‌های شغلی بهتر هستند و چنین پیشینه ای مانع از اشتغال آنان در شهر می‌شود. از این رو، معمولاً حاشیه نشینی، در بطن خود نوعی حاشیه نشینی اقتصادی به معنای اشتغال در بخش غیررسمی‌و عدم جذب در نظام اقتصاد شهری را به دنبال دارد.

۳-۵. اجتماعی

به باور آسیب شناسان اجتماعی، همه صور و انواع ناهنجاری‌های اجتماعی چون سرقت، قتل، قمار، قاچاق، خودکشی، فحشا، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آن، چه به مثابه انحراف و چه در زمره بیماری یا اختلال، معلول ناسازگاری‌های اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است و در مناطق حاشیه‌نشین نمود بیشتری می‌یابد. بررسی آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، نشان می‌دهد که به اعتراف ساکنان این محلات، فقر و بیکاری، اعتیاد و فروش مواد مخدر، ولگردی، دعوا و درگیری بسیار زیاد است. از این رو، می‌توان گفت که حاشیه نشینی، نمودی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی

است. به طور کلی، همانطور که صدیق سروستانی (۱۳۷٦) بیان می‌کند، حاشیه نشین به دو نظام فرهنگی، روستایی و شهری وابسته است و در عین حال به هیچ یک، کاملاً تعلق و تمایل ندارد. در حاشیه بودن، به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را به وجود میآورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی‌می‌شود.

بدلیل غیرقانونی بودن مسکن در مناطق حاشیه نشین، امکانات اولیه نظیر: آب آشامیدنی سالم، امکانات بهداشتی، حمل زباله و سایر مسائل رفاهی در این مناطق موجود نیست و ساکنین باید به نحوی این مسائل را برطرف کنند. برای مثال استفاده ی غیرقانونی از برق از این دست تلاش‌ها برای رسیدن به امکاناتی ست که از آنها به نحوی سلب شده و این امور نشانه ی تارضایتی آنهاست. از طرف دیگر، به علت پراکندگی و گاه دور بودن این اماکن از بافت اصلی، حتی در صورت تمایل مسئولان، تأمین تأسیسات زیربنایی گران و مشکل است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه محلات حاشیه نشین خود را جزئی از شهر می‌دانند، لذا خواستار برخورداری از خدمات شهری همانند سایر نقاط شهر هستند و از آنجا که میزان خدمات رسانی به این مناطق محدود و کمتر بوده، از این رو از خدمات رسانی به این محلات، احساس نارضایتی داشته، خواستار خدمات رسانی بیشتر به این مناطق می‌باشند. همچنین در بیان مهمترین مسائل و مشکلات محلات حاشیه نشین به مواردی نظیر آسفالت نبودن کوچه‌ها؛ کمبود بهداشت و سرپوش نبودن رودخانه و فاضلاب‌های محله؛ کمبود امکانات رفاهی، فرهنگی و آموزشی؛ عدم رسیدگی شهرداری به این محلات؛ نداشتن آب لوله کشی؛ فقر و بیکاری؛ نبود امنیت و وجود انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی به ویژه اعتیاد، شلوغی محله‌ها و تراکم جمعیتی زیاد؛ بافت روستایی و چند قومی‌و فرهنگی بودن محله و ... اشاره نموده اند.

٤-٥. سلامت و بهداشت

مناطق حاشیه‌نشین دارای وضعیت نامطلوب و کیفیت پایین محیط زندگی از نظر تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی هستند. مناطق مسکونی آنها که اغلب در کنار مسیل‌ها؛ اطراف راه آهن، در نزدیکی

جایگاه‌های تخلیه و انباشت زباله و یا در حاشیه شهرهاست و فاقد کمترین تأسیسات رفاهی است. گاهی نیز این مناطق فاقد آب آشامیدنی و در مواردی دارای یک یا دو شیر آب هستند یا در فاصله نسبتاً زیادی از شیرهای آب قرار دارند. گاهی آب را می‌خرند و گاه با شکستن لوله‌های اصلی شهر به لوله کشی محل مسکونی خویش می‌پردازند. توالت‌های روباز و غیر بهداشتی و محیط آلوده به کثافات و زباله در محل اسکان این قشر، محل مناسبی برای شروع انواع مرض‌هاست. در زمستان، کوچه‌ها پر از گل و لجن بوده و آب خیابان‌ها و کوچه‌ها به این مناطق سرازیر می‌شود. خانه‌ها فاقد سیستم فاضلاب بوده و پایین بودن سطح فرهنگ و سواد، امکان استفاده از روش‌های صحیح بهداشتی را به آنان نمی‌دهد. به همین دلیل با مریضی و مرگ و میر بالای کودکانشان نیز روبرو هستند.

٦. مسأله عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در حاشیه‌زدایی

مطابق توضیحات گذشته مشخص شد که چندین دستگاه اجرایی در سطح کشور در حال فعالیت در حاشیه شهرها هستند؛ دستگاه‌ها و سازمان‌هایی همچون شهرداری، بهزیستی، کمیته امداد، ستاد اجرایی فرمان امام(ره)، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، گروه‌های جهادی و مردمی و... . سوال اصلی اینجاست که با وجود این حجم از فعالیت و حضور دست اندرکاران چرا تاکنون به دستاورد مورد انتظار در حاشیه شهرهایی همچون تهران، مشهد، چابهار و... دست نیافته‌ایم. بدون شک این سوال پاسخ‌های متعدد می‌تواند داشته باشد که در حد اختصار بعضی عوامل ذکر می‌شود و علت اصلی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

الف) عدم وجود یک ستاد یکپارچه در ساماندهی و ماموریت‌بخشی به هریک از ارگان‌ها و مشخص کردن دقیق حوزه مسئولیت هرکدام

ب) عدم وجود برنامه مدون و چندین ساله محرومیت‌زدایی و در مقابل توجه کارهای مقطعی و مناسبتی

ج) موازی‌کاری‌های پی‌درپی؛ به‌گونه‌ای که گاهی به یک خانواده در حاشیه شهر از طریق دستگاه‌های مختلف بسته معیشتی و کمک‌های دیگر اهدا می‌گردد ولی همسایه ایشان بی‌نصیب است.

د) عدم توجه به اصل توانمندسازی محرومان و در مقابل وابسته‌کردن آن‌ها با کمک‌های مقطعی

ه) خدشه‌دار شدن عزت نفس محرومان این مناطق در اثر کمک‌های دلسوزانه گروه‌های مختلف به‌گونه‌ای که به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه بیشتر خود را محروم معرفی کنند امکانات بیشتری دریافت می‌کنند.

۷. معرفی ایده تشکیل ستاد منطقه‌ای

مسأله هماهنگی دستگاه‌های اجرایی، از جمله مهمترین پیش‌شرط‌هایی بوده که در اصل محرومیت‌زدایی و رفع مناطق حاشیه‌نشین باید به آن توجه نمود. همه مواردی که در بالا ذکر شد، تا حد زیادی محصول شکل‌نگرفتن این هماهنگی بوده و خلا وجود آن احساس می‌گردد.

به لحاظ اصول مدیریتی و مباحث حکمرانی مشخص است که برای هماهنگی امور مشابه و عملیات در یک منطقه نیاز به تشکیل فرماندهی واحد می‌باشد. از آن‌جایی که اصول و مبانی بسیاری از دستگاه‌های نامبرده اجازه نمی‌دهد که از مکان دیگری غیر از ساختار تعریف شده در خود سازمان، مورد ابلاغ امری قرار گیرند و تا حدودی ممکن است دچار تعارض منافع شوند، ایده تشکیل ستادی یکپارچه با حضور نمایندگان عالی هر ارگان برای محرومیت‌زدایی هر منطقه طرح می‌گردد. برای مثال برای حاشیه‌زدایی اطراف شهر تهران نیاز است تا مسئولین تمامی دستگاهایی که ادعای فعالیت در این منطقه و حوزه را دارند تشکیل جلسه دهند. پس از احصای مسائل و مشکلات هر منطقه- از مسائل زیرساختی تا مسائل اقتصادی و فرهنگی- مزیت نسبی هر سازمان در رفع آن مشکل مشخص شود و بدین‌صورت هر ارگان مسئول رفع آن کمبود گردد. نیاز است تا حتما دبیر یا مسئول این ستاد با رأی‌گیری اعضا مشخص شود تا مصوبات جلسه را به طور عملیاتی پیگیری کند. از طرفی با توجه به حضور همه دستگاه‌های فعال در این ستاد، از طرف دولت و وزارت کشور به این ستاد اختیارات فراقانونی به مدت مشخص اعطا گردد تا بتواند با سرعت بیشتری پیگیر رفع مسائل موجود گردد.

مشخص است پس از تشکیل این ستاد، هر سازمان یا گروه دیگری که بخواهد در منطقه حاشیه مورد نظر فعالیت کند، نیاز به دریافت مجوز از این ستاد داشته تا هم از موازی‌کاری جلوگیری شود و هم طرح و برنامه آن گروه به طور کاملا مشخص جهت ارائه در جلسه ستاد مطرح گردد.

با شکل‌گیری این ستاد امکان برنامه‌ریزی چندین ساله و جامع جهت رفع حاشیه‌نشینی منطقه وجود خواهد داشت و البته با وجود اختیارات این ستاد می‌توان تمامی دستگاه‌های اجرایی را مجبور کرد تا اگر قصد فعالی در حاشیه شهر را دارند، به عنوان قطعه‌ای از پازل، تکمیل کننده این طرح جامع باشند. از طرفی ممکن است طرح برنامه‌ریزی شده در تعارض با اهداف و برنامه‌های هرکدام از سازمان‌ها باشد که در اینجا نیز ستاد موردنظر می‌تواند از اختیارات خود جهت ابلاغ آن استفاده کند.

طبق آنچه بیان شد تشکیل ستاد منطقه‌ای با عضویت ارگان‌های فعال در حاشیه‌زدایی آن منطقه می‌تواند در حل بسیاری از موازی‌کاری‌ها و دیگر معضلات کمک کند لکن اگر برنامه‌ریزی‌های لازم انجام نشده و فهم از تشکیل ستاد صرفا ساختارسازی در کنار دیگر ساختارهای موجود باشد، خود این موضوع باعث کند شدن فرایند حل مشکلات و ریشه‌دارترشدن آنان و همچنین افزایش فرایند بروکراسی خواهد شد.

۸. نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی یکی از معضلات جدایی ناپذیر شهرهای در حال توسعه بوده که علل مختلفی می‌تواند داشته باشد. طبق پژوهش‌های صورت گرفته عمده دلیل آن مهاجرت به دلایل اقتصادی، اجتماعی، سلامت و بهداشت می‌تواند باشد.

به دلیل متوازن نبودن بافت زیرساختی و اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین، این سکونت‌گاه‌ها می‌تواند محل پیداش معضلات جدی در موضوعات مختلف فرهنگی اجتماعی و امنیتی گردد. لذا پرداختن به مقوله رفع حاشیه‌نشینی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌گردد. با وجود تعریف این مسئولیت برای ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف در کشورما، متاسفانه شاهد دستاورد چندانی نبوده‌ایم که از عمده دلایل می‌توان به موازی‌کاری، عدم وجود نقشه و سند پیشرفت منطقه، عدم توجه به اصل توانمندسازی حاشیه‌نشین‌ها و... اشاره کرد.

بنظر می‌رسد تشکیل ستاد منطقه‌ای با اختیارات ویژه جهت هماهنگی دستگاه‌های مختلف اجرایی، یکی از راهکارهای موثر در رفع این موارد باشد. این ستاد با عضویت تمامی سازمان‌های فعال در این حوزه

شکل گرفته که با تصمیم‌گیری بین خود دبیر آن را مشخص می‌سازند. وظیفه این ستاد طراحی و برنامه-ریزی سندی جامع جهت رفع معضلات منطقه با ابلاغ مسئولیت مشخص به هریک از اعضا می‌باشد. از دیگر وظایف این ستاد می‌توان به صدور مجوز فعالیت گروه‌ها و دیگر دستگاه‌ها برای فعالیت در منطقه با موضوع حاشیه‌زدایی و مبتنی بر سند جامع طراحی‌شده می‌باشد.

کتابنامه

۱) زنگی آبادی، ع.، و ضرابی، ا.، و خوب آیند، س. (۱۳۸٤). تحلیل علل اقتصادی - اجتماعی حاشیه نشینی در شهر اصفهان. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان, ۱۸(۱ (ویژه نامه جغرافیا)), ۱۹۲-۱۷۹.

https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=٦٠٥١٤

۲) عرشیه روح الله، امیری رسکتی مائده (۱۳۹٤)، بررسی مفهوم حاشیه نشینی و معضالت شهری ناشی از آن، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، استانبول ترکیه

۳) حاتمی‌نژاد حسین، موسوی سیدمحمدحسین، حاجیان حسین‌آبادی محمد، زرافشان محمدرضا، یوسفی وحید (۱۳۹٦)، بررسی علل شکل‌گیری اسکان غیر رسمی(مطالعه موردی: محله کوی زینبیه شهر پاکدشت)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال هفتم، شماره بیست و پنج، بهار ۱۳۹۷

٤) ایراندوست کیومرث، اعظمی‌محمد، تولایی روح‌الله (۱۳۹۳)، شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیر رسمی‌در ایران، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ششم، شماره بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۳

۵) صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۷٦) ، حاشیه نشینی و امنیت، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، وزارت کشور، تهران

٦) هادی زاده، مریم (۱۳۸۳)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، مشهد، شهرداری مشهد

۷) زاهد زاهدانی، سعید (۱۳٦۹)، حاشیه نشینی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز

۸) اعتماد، گیتی (۱۳۸۲)، ویژگی‌های کالبدی محله‌های حاشیه نشین در مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران

۹) سرور هوشنگ، فلاح پور سجاد، جمالی ابراهیم (۱۳۹٤)، بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نشینی در شهر ارومیه، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، استانبول، ترکیه

۱۰) زنگی آبادی علی، مبارکی امید (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل آباد)

۱۱) آقابخشی سعید (۱۳۸۳)، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، تهران، چاپ اول، جلددوم

۱۲) ابراهیم زاده عیسی (۱۳۸۰)، مهاجرت‌های روستایی و علل و پیامدهای آن؛ مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان، نشریه تحقیقات جغرافیایی بهار

۱۳) پناهی علی، فرجزاده میروحید، نظری مصطفی ()، بررسی عوامل ساختاری و نهادی مؤثر در پیدایش حاشیه نشینی (مطالعه موردی: شهر تبریز)، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان

۱٤) اسماعیلی علی اکبر، بیگدلی راد وحید (۱۳۹٦)، بررسی پیامدهای مهاجرت از روستا به شهر بر حاشیه نشینی شهری در شهرستان تاکستان، چهارمین کنفرانش ملی معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی‌واحد قزوین

۱۵) الهی شیروان مسعود ()، بررسی عوامل تأثیر گذار در گسترش حاشیه نشینی در شهر، سومین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

۱٦) نیمروزی نوروز (۱۳۸۵)، بررسی پیامدهای حاشیه نشینی بر نظام فرهنگی مشهد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی‌خراسان رضوی

۱۷) محمودزاده حسن، زارعی علی (۱۳۹۷)، رویکرد تحلیلی بر علل و پیامدهای شکل‌گیری مناطق حاشیه نشین کلانشهر تبریز، نشریه پژوهش‌های مکانی فضایی، شماره ٦، بهار ۱۳۹۷، ص ۱ تا ۲۱

۱۸) بهمنی سجاد، همتی رضا، ملتفت حسین، ایزدی جیران اصغر (۱۳۹۷)، مرور نظام‌مند مطالعات انجام‌شده در زمینه حاشیه‌نشینی (۱۳۷۵ تا ۱۳۹٦)، نشریه علوم اجتماعی، شماره ۷۱